

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

یادداشت:

- ۱- بناء به خواهش نویسنده مقاله نتوانستیم در مورد ویراستاری نمائیم.
 - ۲- این صفحه بر روی پاسخ مستدل و علمی مطلب کنونی و سایر مطالب منتشره در پورتال برای همیشه باز بوده و باز خواهد ماند.
- اداره پورتال AA-AA

نویسنده:

دکتر ن. و. ک. اشرف

23.07.10

یازده مورد از تناقضات و اشکالات درونی قرآن

قرآن با آن همه جملات مبهمش یک نوشته ایده آل برای یافتن تناقضات است. در عین حال این ابهام در قرآن فضا را برای اسلامگرایان به نحو مناسبی آماده میکند که برای این تناقضات توضیحاتی پیدا کنند یا اینکه وجود تناقض را انکار کنند. تناقضاتی که در این بخش به آنها اشاره شده، در وب سایتهای مختلف دیگر نیز با تفاوتهای اندکی آورده شده است.

هر چند اسلام دانان بسیار روی این نکته تاکید دارند که موقعیت نزول هر آیه را باید در هنگام بررسی آن آیه مورد نظر قرار داد، اما گویا این حرف بیشتر گفته میشود تا اینکه بخواهد بدان عمل شود. بازگوییهای بیشمار و آمدن آیات بی ارتباط باعث میشوند که یافتن زمینه های یک آیه بسیار دشوار شود. غیر منطقی نیست اگر این انتظار از یک کتاب وجود داشته باشد که این کتاب به نحوی از لحاظ منطقی سازمان یافته باشد که مردم بتوانند آنرا بهتر درک کنند، اما متأسفانه قرآنی که معمولاً توسط اسلامگرایان به نام آخرین وصیت الله معرفی میشود حتی در این زمینه نیز به سادگی شکست میخورد.

'بهتر از هزار نکته تهی از معنی، یک نکته با معنی است'
که میتواند برای کسی که آن را میشوند آرامش بیاورد.'
راه حقیقت، ۱۰۱ *

۱. رویانشناسی و تشخیص جنسیت در چه زمانی اتفاق می افتد؟

یکی از منابعی که مسلمانان معمولاً از قرآن در مورد توالد انسانها از آن نقل قول میکنند، سوره ۵۳ آیه ۴۵ و ۴۶ است. معمولاً این آیات به گونه ای تفسیر میشوند که خبر از مشخص شدن جنسیت در خود مرحله لقاح دهند اما در جای دیگر قرآن اشاره میکند که جنسیت یک جنین در حال رشد در مرحله لخته خون (!) شکل میگیرد. جالب است بدانیم یونانیان باستان فکر میکردند انسان از لخته خون ساخته میشود زیرا میدیدند زنانی که باردار میشوند دیگر پررود نمیشوند. بنابر این فکر میکردند حتماً همان

لخته های خون است که در بدن زن باردار تبدیل به جنین و کودک میشود. گویا همان اندیشه یونانی به قرآن نیز راه یافته است.

سوره ۵۳ آیه ۴۵ و ۴۶:

و اوست که جفت‌های نر و ماده را آفریده است، از نطفه آنگاه که در رحم ریخته میشوند.

به غیبت تخمک در عمل لقاح در بینش قرآن از لقاح دقت کنید.

سوره ۷۵ آیه ۳۷، ۳۸ و ۳۹:

آیا او نطفه ای از منی که در رحمی ریخته شده، نبوده است، سپس لخته ای خون؟ آنگاه به اندام درستش بیافزید. و آنها را دو صنف کرد: نر و ماده.

این دید همچنین در احادیثی پشتیبانی شده است. "وقتی ۴۲ شب از افتادن نطفه میگذرد، الله فرشته ای را بسوی آن میفرستد و آن فرشته گوشها، چشمها، پوست، گوشت و استخوان آنرا شکل میدهد. و آنگاه آن فرشته از الله می پرسد که، ای الله آیا مرد باشد یا زن؟، و سپس پروردگارت برای او تصمیم میگیرد. "صحیح مسلم، جلد ۳۳ شماره ۶۳۹۲).

۲. عرض بهشت چقدر است؟

در توصیفی که قرآن در مورد عرض بهشت میکند، تناقض آشکاری وجود دارد. قرآن در سوره ۳ آیه ۱۳۳ میگوید عرض بهشت به اندازه عرض زمین و عرض آسمانها (سماوات: جمع) است. در حالی که در سوره ۵۷ آیه ۲۱ میگوید عرض بهشت به اندازه زمین و آسمان (سما: یک آسمان) است. و آشکار است که آسمان با آسمانها برابر نیست بنابراین این عرض بهشت نمیتواند هم اندازه زمین و آسمان، و هم اندازه زمین و آسمانها باشد، بنابراین این، این یک تناقض و اختلاف آشکار در قرآن است.

سوره ۳ آیه ۱۳۳:

بر یکدیگر پیشی گیرید، برای آموزش پروردگار خویش و رسیدن به آن بهشت که پهنایش به قدر همه آسمانها و زمین است و برای پرهیزکاران مهیا شده است.

سوره ۵۷ آیه ۲۱:

برای رسیدن به آموزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمان و زمین است، بر یکدیگر پیشی گیرید. این بهشت برای کسانی که به الله و پیامبرانش ایمان آورده اند، مهیا شده است. این بخشایشی است از جانب الله که به هر که میخواهد ارزانش میدارد، که الله صاحب بخشایشی بزرگ است.

۳. چه کسی مردم را فریب میدهد؟ الله یا شیطان؟

با توجه به سوره ۴ آیه ۱۱۹ و ۱۲۰، شیطان (رانده شده) کسی است که امیال باطل و گمراهی را باعث میشود (همچنین رجوع کنید به سوره ۱۵ آیه ۴۲)، اما در سوره ۱۶ آیه ۹۳، الله میگوید که خود بندگان را گمراه میکند (همچنین رجوع کنید به سوره ۴ آیه ۷۸).

سوره ۴ آیه ۱۱۹، ۱۲۰:

و البته گمراهشان میکنم و آرزوهای باطل در دلشان می افکنم و به آنان فرمان میدهم تا گوشهای چهارپایان را بشکافند. و به آنان فرمان میدهم تا خلقت الله را دگرگون سازند. و هرکس که به جای الله شیطان را به دوستی برگزیند زیانی آشکار کرده. به آنها وعده میدهد و به آرزوشان می افکند و شیطان آنان را جزبه فریب وعده ندهد.

سوره ۱۶ آیه ۹۳:

اگر الله میخواست، همه شما را یک امت کرده بود، ولی هر که را بخواهد گمراه میسازد و هر که را که بخواهد هدایت میکند و از هر کاری که میکنید بازخواست میشود.

۴. عقیده قرآن در مورد پدر و مادر ناباور چیست؟

قرآن در مورد رفتار یک شخص با والدینی که خدایانی بجز الله را میپرستند اطلاعات متناقضی میدهد. در سوره ۳۱ آیه ۱۵ از مسلمان معتقد میخواند که همنشینی با والدین را حتی اگر آنها در ناباوری اسرار ورزیدند حفظ کند، اما سوره ۹ آیه ۲۳ میگوید پدران و برادرانتان را در صورتی که معتقد نیستند همنشین و دوست خود خود قرار ندهید!

سوره ۳۱ آیه ۱۵

اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمیدانی چيست با من شريك گردانی اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من باز می گردند در پیش گیر. بازگشت همه شما به سوی من است و من از کارهایی که میکرده اید آگاهتان میکنم.

سوره ۹ آیه ۲۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پدرانتان و برادرانتان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند، آنها را به دوستی مگیرید و هرکس از شما دوستشان بدارد از ستمکاران خواهد بود.

البته مشخص است که این دو آیه در زمانها و در زمینه های مختلفی آورده شده اند. ممکن است اسلامگرایان شبهه وارد کنند که سوره ۹ آیه ۲۳ تنها در زمینه و زمان خصومت آورده شده است نه در هیچ موقعیت دیگری. اگر چنین شبهه ای وارد شود سپس باید ما خصومت را تعریف کنیم و نباید فراموش کنیم که بسیاری از آیات قرآن از شرایط نوسانی بین باورمندان و ناباوران سخن میگوید. از آنجا که نه تمامی سوره های قرآن و نه حتی آیات درون یک سوره با توجه به مفادشان مرتب شده اند و تمامی قرآن همینگونه سازمان نیافته است، موقعیت و زمینه های این آیات را به دشواری میتوان دریافت. اما جالب است که سوره ۳۱ آیه ۱۵ نیز همانند سوره ۹ آیه ۲۳ در زمینه و مفاد حمله به ناباوران آمده است. به عبارت "و ان جاهداک" در این آیه دقت کنید

۵. کدامیک به بهشت وارد میشوند؟ روح، بدن یا هر دو؟

قرآن در آیات مختلفی از جمله سوره ۱۳ آیه ۵، سوره ۱۷ آیات ۹۸-۹۹، سوره ۲۰ آیه ۵۵، سوره ۳۴ آیه ۷، سوره ۷۵ آیات ۳-۴ روی این نکته تاکید میکند که بعد از رستاخیز، بدن که با روح دوباره پیوند یافته به بهشت وارد میشود، اما در سوره ۸۹ آیات ۲۷-۳۰ میگوید این روح (نفس) است که به بهشت وارد میشود.

سوره ۱۷ آیه ۹۹

آیا نمیدانند که خدایی که آسمانها و زمین را آفرید است قادر است که همانند آنها را بیافریند و برایشان مدت عمری نهاده که در آن تردیدی نیست؟ اما ظالمان جز انکار نکنند.

سوره ۷۵ آیه ۳، ۴

آیا آدمی میپندارد که ما استخوانهایش را گرد نخواهیم آورد؟ آری ما قادر هستیم که سرانگشتهایشان را برابر کنیم.

سوره ۸۹ آیه ۲۷-۳۰

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد، و در زمره بندگان من داخل شو، و به بهشت من در آی.

سوره ۳۱ آیه ۲۸

آفرینش همه شما و باز زنده کردنتان تنها همانند زنده کردن یک تن است. هر آینه الله شنوا و بیناست.

لذت بهشتی در اسلام بدون لذت جسمی و حسی کامل نیست، و الا چگونه ممکن است شخصی در بهشت نوشیدنی همراه با زنجبیل بنوشد؟ (رجوع کنید به سوره ۷۶ آیه ۱۷)، و از هوای تهویه یافته که نه آفتاب دارد نه سرما استفاده کنند؟ (سوره ۷۶ آیه ۱۳)، از دختران باکره لذت ببرد؟ (سوره ۵۵ آیه ۵۶) و عسل و شیر بنوشند؟ (سوره ۴۷ آیات ۱۶ و ۱۷) که همگی پادشاهی است که الله به مومنین میدهد استفاده کند و لذت ببرند.

یوسف علی (معروف ترین مترجم قرآن از عربی به انگلیسی) در توضیح شماره ۶۱۲۸ برای سوره ۸۹، آیه ۲۷ و ۳۰، میگوید که این روح است که بهشت وارد میشود و نه جسم زمینی، که این نظر

یوسف علی با سوره ۷۵ آیات ۳ و ۴ در تضاد است. همچنین به سوره ۳۱ آیه ۲۸ نگاه کنید که میگوید خلقت انسان یا رستاخیز هر دو همانند زنده کردن یک تن است.

برخلاف نوشته های مربوط به کتاب ودا (یکی از کتب مقدس هندوها) قرآن روح را به عنوان یک ماهیت جدا از بدن تعریف نمیکند. روح اکثرا در قرآن به عنوان منشا تمایلات و امیال معرفی میشود (سوره ۳ آیه ۶۱ و سوره ۱۲ آیه ۵۳). کلمه عربی "نفس" به صورت متفاوتی در ترجمه های مختلف قرآن ترجمه شده است. نفس را مترجمان متخلف به روح، ذهن، روحیه، و حتی قلب ترجمه کرده اند. همچنین کلمه "نفس" در قرآن گاهی به اشخاص اشاره میکند (سوره ۱۲ آیه ۵۳)، بعضی اوقات به روح اشاره میکند (سوره ۶ آیه ۹۳ و سوره ۳۹ آیه ۴۲) و بعضی وقتها به خود الله اشاره میکند (سوره ۶ آیه ۱۲ و ۵۴). نکته جالبی در سوره شماره ۲۱ آیه ۳۵ یافت میشود که میگوید "هر نفسی (روحی) طعم مرگ را می چشد..." این آیه میتواند این معانی را داشته باشد

۱. بدین معنی که روح طعم مرگ را بعد از جدا شدن از بدن میچشد، بطوری که یوسف علی آنرا تفسیر کرده.

۲. بدین معنی که هر شخصی طعم مرگ را میچشد همانطور که در بسیاری از جاهای دیگر نیز این عبارت آورده شده است همچون سوره ۳ آیه ۶۱ و سوره ۵۱ آیه ۲۱.

کسانی که معتقدند کلمه "نفس" در سوره ۲۱ آیه ۳۵ تنها به معنی روح واقعی است، باید این آیه را در تناقض با سوره ۳۹ آیه ۴۲ و سوره ۸۹ آیه ۲۷-۳۰ ببینند که میگوید وقتی انسانها میخوانند، لحظه ای روح آنها توسط الله پس گرفته خواهد شد، آیا این بدین معنی است که روح ها نیمیرند؟

۶. آیا این انسان است که به الله نیاز دارد یا الله است که به انسان نیاز دارد؟

بین سوره ۵۱ آیه ۵۶ و سوره ۳۵ آیه ۱۵ تناقض آشکاری وجود دارد. آیه نخست میگوید که الله انسانها و اجنه را برای پرستش خود آفریده است (همچنین رجوع کنید به سوره ۶۷ آیه ۲)، در حالی که آیه دوم میگوید این انسان است که به الله نیاز دارد (همچنین رجوع کنید به سوره ۵۱ آیه ۵۷).
سوره ۵۱ آیه ۵۶

جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده ام.

سوره ۶۷ آیه ۲

آن که مرگ و زندگی را بیافرید، تا بیازمایدتان که کدام یک از شما به عمل نیکوتر است و اوست پیروزمند و آمرزنده.

سوره ۳۵ آیه ۱۵

ای مردم، همه شما به الله نیازمندید. اوست بی نیاز و ستودنی.

موضوع دیگری در این باب شایان اهمیت است حدیث قدسی و معروفی است که الله میگوید "من گنجینه ای مخفی بودم و مخلوقات را خلق کردم تا شناخته شوم". منبع این حدیث ++

۷. خیر و شر از کجا ریشه میگیرند؟

در حالی که آیه ای میگوید هم خیر و هم شر از طرف الله می آیند، دقیقا در آیه بعدی میگوید تنها خیر از الله ریشه میگیرد.

سوره ۴ آیه ۷۸

هرجا که باشید ولو در حصارهای سخت استوار، مرگ شما را در میابد. و اگر خیری به آنها رسد میگویند از جانب الله بود و اگر شری به آنها رسد میگویند از جانب تو بود. بگو همه از جانب اللهست. چه بر سر این قوم آمده است که هیچ سخنی را نمیفهمند؟

سوره ۴ آیه ۷۹

هر خیری که به تو رسد از جانب اللهست و هر شری که به تو رسد از جانب خود تو است. تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و الله به شهادت کافی است.

بسیار جالب است که در انتهای آیه اول میگوید چه بر سر این قوم آمده است که هیچ سخن را نمیفهمد. آیا واقعا میتوان این کلام متناقض را فهمید؟ بالاخره خوب و بد هر دو از طرف الله هستند یا نه؟

۸. چه کسی را باید برای معتقد بودن یا منکر بودن توبیخ کرد؟

سوره شماره ۱۰ آیه ۱۰۰
جز به اذن الله هیچکس را نرسد که ایمان بیاورد. و او پلیدی را بر کسانی که خرد خویش را بکار نمی بندند مقرر میکند.

سوره شماره ۶ آیه ۱۲
...کسانی که به زیان خویش کار کرده اند، آنان ایمان نمی آورند.
این تناقض نیازی به توضیح بیشتر ندارد.

۹. چه کسی را باید برای اعمال خطا مقصر دانست؟

در سوره ۳۵ آیه ۸، سوره ۱۶ آیه ۹۳، سوره ۷۴ آیه ۳۱ و سوره ۲ آیه ۱۴۲ می خوانیم که این الله است که باید برای گمراه کردن انسانها مسئول باشد، در حالی که در سوره های دیگر همچون سوره ۳۰ آیه ۹ و سوره ۴ آیه ۷۹ می آموزیم که این انسان است که برای اعمال غلط باید مسئول و مقصر شناخته شود.

سوره ۳۰ آیه ۹
این الله نبود که به آنها ظلم کرد (آنها را گمراه کرد)، آنها به خودشان ظلم کردند (خودشان خود را گمراه کردند).

سوره ۳۵ آیه ۸
الله هر که را که خواهد گمراه میکند و هر که را که خواهد هدایت میکند.

۱۰. آیا ناباوران بخشیده خواهد شد یا مجازات خواهند شد؟

سوره ۲۳ آیه ۱۱۷ و سوره ۹۸ آیه ۶ میگوید که ناباوران رستگار نمیشوند و بدترین مخلوقاتند! همچنین سوره ۹ آیه ۲۹ از معتقدان به الله میخواهد که با کسانی که به الله، حقانیت دین الله و روز قیامت ایمان نمی آورند بجنگند. اما سوره ۴۵ آیه ۱۴ حرف کاملا متفاوتی میزند. همچنین به سوره ۱۶ آیه ۱۲۸ مراجعه کنید.

سوره ۹ آیه ۲۹
با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیزهایی که الله و پیامبرش حرام کرده اند بر خود حرام نمیکند و دین حق را نمیپذیرند جنگ کنید، تا به دست خود و در عین مذلت جزیه بدهند.

سوره ۴۵ آیه ۱۴
به کسانی که ایمان آورده اند، بگو: از خطای کسانی که به روزهای الله باور ندارند در گذرید، تا خود، آن مردم را به جزای اعمالی که مرتکب شده اند پاداش دهد.

اسلامگرایان ممکن است شبه وارد کنند که سوره ۹ آیه ۲۹ در هنگام جنگ آمده است و سوره ۴۵ آیه ۱۴ در پایان جنگ. واقعیت این است که قرآن مشخص نمیکند که چه آیه هایی مربوط به زمان جنگ هستند و چه آیه هایی مربوط به دوران پس از جنگ. یا اینکه کدام حکم قرآن برای گذشته است، یا برای حال است یا برای آینده. متأسفانه الله همه چیز را در دست انسانها قرار داده و دست اسلامگرایان را برای انتخاب باز گذاشته است. اسلامگرایان ادعا میکنند که قرآن برای مشکلات گذشته و حال و آینده بهترین راه حل ها را ارائه میدهد و به نظر میرسد که این ادعای آنها بیشتر احساسی و از روی تعصب است تا حقیقی.

۱۱. دستور الله به محمد برای گسترش اسلام.

اسلامگرایان زیادی دیده شده اند که با نقل قول کردن از قرآن ادعا میکنند که قرآن هرگز به پذیرش اجباری دین توصیه نمیکند. معمولاً سوره ۲ آیه ۲۵۶ را نقل قول میکنند که **«در پذیرش دین اجباری نیست»** هر چند در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که خلاف این ادعا را نشان میدهد و در بخش **آیات جنایی تازینامه** به آنها اشاره شده است. در اینجا به دو توصیه متناقض الله در مورد قبولاندن دین به مردم اشاره میشود.

سوره ۳ آیه ۲۰

اگر با تو به داوری برخیزند بگویی: من و پیروانم در دین خویش به الله اخلاص ورزیدیم. به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا شما هم به الله اخلاص ورزیده اید؟ اگر اخلاص ورزیده اند پس هدایت یافته اند و اگر رویگردان شده اند، بر تو تبلیغ است و بس و الله بندگان را میبیند.

سوره ۸ آیات ۳۸ و ۳۹

به ناباوران بگویی که اگر دست بردارند گناهان گذشته آنها آمرزیده شود و اگر بازگردند، دانند که با پیشینیان چه رفتاری شده است. با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین همه دین الله گردد. پس اگر باز ایستادند، الله کردارشان را می بیند.

آیا سوره ۸ آیه ۳۸-۳۹ ناسخ و سوره ۳ آیه ۲۰ منسوخ است؟ اگر اینگونه است آیا میتوان گفت که سوره ۸ آیات ۳۸-۳۹ استراتژی محمد در برخورد با ناباوران و در نتیجه استراتژی اسلامگرایان با الله ناباوران است؟ یا اینکه آیه دوم در موقع جنگ نازل شده است؟ به نظر میرسد اینها تغییر رفتار محمد را با توجه به عکس العمل های مختلفی که از مردم دریافت میکرد نشان میدهد، ما در سوره ۳ آیه ۲۰ مفهومی آرام و صلح آمیز میبینیم اما در سوره ۸ آیه ۳۸-۳۹ مفهومی خشونت آمیز و متوحش و البته مشخص است که رفتار محمد از مکه به مدینه بسیار متفاوت شد.

من هنوز در انتظار یافتن کتاب مذهبی بدون تناقضات آشکار درونی و برونی هستم. بطور کلی هرچقدر مقدار مطالب این کتابها بزرگتر میشود، اشکالات و تناقضات آنها نیز بیشتر میشود. بخصوص وقتی که این کتابها را به "وحی" نسبت میدهند که توسط پیامبر یا شاهدی دریافت شده است. ما در فضایی کثرت گرا زندگی میکنیم و تلاش ما برای آموختن مفاهیم والای کتابهای مقدس است. کسانی که میخواهند با تحقیق به حقیقت برسند باید اینکار را بدون پیش داوری، احساسات و تعصب نشان دهند. احساسات نباید ارزش والاتری از خرد داشته باشد.

«کسانی که باطل را حقیقت میپندارند و حقیقت را باطل، هرگز به هدف والا نخواهند رسید زیرا که توسط بینش غلط و هوای بیهوده نفسانی گمراه شده اند»
راه حقیقت، ۱۱

نکته: خوانندگان نباید به دلیل اینکه من از کتابه بودایی "راه حقیقت" نقل قول کرده ام گمراه شوند. من از اینکه حرفهای زیبا و مفهومی را از هر کتابی نقل کنم ابایی ندارم، البته تنها در صورتی که:
(1) در صورتی که آن مفهوم معقول و قابل ارزش برای ارائه باشد.
(2) در صورتی که با بقیه مفاهیم آن کتاب در تناقض نباشند.